

نظام نشانگرهای سنجش انسجام نگارشی در پایان نامه های علوم رفتاری The System of Indicators for Assessing writing coherence in Behavioral Science Thesis

Milad Shirdel

MA in Educational Research, Faculty Of Psychology and Education, University Of Tehran, Tehran, Iran.

Dr. Keyvan Salehi *

Associate Professor, Department of Methods, Educational Planning and Curriculum, Faculty Of Psychology and Education, University Of Tehran, Tehran, Iran.

keyvansalehi@ut.ac.ir

Dr. Hajar Ghadirian

Lecturer, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

میلاد شیردل

کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر کیوان صالحی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه روش ها و برنامه ریزی آموزشی و درسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر هاجر قدیریان

مدرس دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Abstract

Improving the quality of scientific writing is one of the most important concerns in the current era, receiving special attention among the scientific community members. Dissertations are one of the examples of scientific writing. Identifying features related to thesis writing, especially writing coherence as the heart of writing activities, is considered one of the most basic steps in teaching and developing writing activities. This research identified the system of indicators for measuring the writing coherence in behavioral science theses. In this research, a qualitative approach and an interpretive phenomenological method were used. The key informants were 12 faculty members of the Faculty of Psychology and Education of the University of Tehran who were selected by snowball sampling in 2022; In the ninth interview, the data reached the saturation level, and three more interviews were conducted to be sure. data were collected using a semi-structured interview and were analyzed according to Dickelman and his colleague's Data analysis led to the identification of 61 indicators and their classification in the form of six criteria including: "intratextual coherence", "simple writing", "appearance attractiveness", "writing order", "methodical order" and "sourcing order". The results indicate that compliance with the criteria and indicators identified can significantly contribute to the quality improvement of scientific writing thus making it more valuable. Also, in the end, solutions were presented to improve and enhance the quality of coherence in thesis writing.

Keywords: Writing Coherence, Phenomenology, Scientific Writing, Student Thesis.

چکیده

بهبود کیفیت نگارش علمی، در دوران کنونی یکی از مهم ترین دغدغه هایی است که در بین اعضای جامعه علمی مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است. یکی از مصادیق نگارش علمی، پایان نامه ها به شمار می روند. شناسایی ویژگی های مرتبط با پایان نامه نویسی بویژه انسجام نگارشی به عنوان قلب فعالیت های نگارشی از زیربنایی ترین گام ها در آموزش و توسعه فعالیت های نوشتاری محسوب می شود. این پژوهش به شناسایی نظام نشانگرهای سنجش انسجام نگارشی در پایان نامه های علوم رفتاری پرداخت. در این پژوهش، از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی از نوع تفسیری استفاده شد. مطلعان کلیدی شامل ۱۲ نفر از اعضای هیات علمی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران بودند که در سال ۱۴۰۱ به روش نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شدند؛ در مصاحبه نهم، داده ها به حد اشباع رسیدند و سه مصاحبه دیگر نیز جهت اطمینان انجام شد. داده ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری و به شیوه دیکلمان و همکاران تحلیل شد. تحلیل داده ها به شناسایی ۶۱ نشانگر و دسته بندی آن در قالب شش ملاک «انسجام بخشی درون متنی»، «ساده نویسی»، «جذابیت ظاهری»، «نظم نگارشی»، «نظم روشی (روش مندی)» و «نظم منبع دهی» منجر گردید. نتایج حاکی از آن بود که رعایت ملاک ها و نشانگرهای شناسایی شده، می تواند به بهبود کیفیت نگارش علمی و در نتیجه ارزشمندتر شدن آن کمک قابل توجهی نماید. همچنین در انتها، برای بهبود و ارتقای کیفیت انسجام در نگارش پایان نامه ها راهکارهایی ارائه گردید.

واژه های کلیدی: انسجام نگارشی، پدیدارشناسی، نگارش علمی، پایان نامه های دانشجویان.

ویرایش نهایی: دی ۱۴۰۳

پذیرش: اسفند ۱۴۰۲

دریافت: اردیبهشت ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

نگارش علمی و انتشار آن، کلید توسعه شغلی موفق و بقای آکادمیک برای استادان و کارآموزان است (دریش^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). نگارش علمی در دانشگاه، اهداف مهم و متعددی دارد (هوانگ^۲، ۲۰۲۳)؛ از یک‌سو به دانشجویان و محققان اجازه می‌دهد تا یافته‌ها، ایده‌ها، نظریه‌ها و آزمایش‌های خود را به طور مؤثری به جامعه علمی گسترده‌تر منتقل کنند (ناوارو^۳ و همکاران، ۲۰۲۲)؛ از سوی دیگر، با مستندسازی کار پژوهشگران به شیوه‌ای واضح و ساختاریافته، انتشار دانش را امکان‌پذیر می‌کند و همکاری با سایر محققان در این زمینه را تسهیل می‌کند (گویال^۴ و همکاران، ۲۰۲۰)؛ استفنسون و سدلر مک‌نایت^۵، ۲۰۱۶)؛ درگیر شدن در نوشتار علمی، تفکر نقادانه و مهارت‌های تحلیلی را افزایش می‌دهد، زیرا از دانشجویان می‌خواهد که افکار خود را بیان کنند، داده‌ها را تحلیل کنند و نتیجه‌گیری معنادار بگیرند (بارگو و میتوما^۶، ۲۰۰۷؛ شارگاه^۷، ۲۰۱۴)؛ استفنسون و سدلر مک‌نایت، ۲۰۱۶). علاوه بر این، نوشتار علمی به دانشجویان کمک می‌کند تا مهارت‌های پژوهشی خود را توسعه دهند، زیرا آنها باید بررسی‌های کامل مبانی نظری را انجام دهند، به مطالعات مربوطه استناد کنند و به سبک‌های قالب‌بندی و استناد خاصی پایبند باشند (گانل، هند و پراین^۸، ۲۰۰۷؛ پاراهامانا^۹، ۲۰۱۷). به طور کلی، نگارش علمی نقشی محوری در توسعه شایستگی‌های آکادمیک، ترویج تحقیق علمی و پیشبرد دانش در محیط‌های دانشگاهی ایفا می‌کند.

نگارش علمی از ویژگی‌های اساسی نظیر اصالت، جذابیت و انسجام برخوردار است و شناسایی نظام نشانگرهای سنجش کیفیت آن، از مهم‌ترین راهبردهای تشخیص و هدایت شیوه‌های نگارش اصیل دانشگاهی است (شیردل و همکاران، ۱۴۰۱). دستیابی به شایستگی‌های نگارش خلاقانه و کیفیت‌بخشی به نگارش علمی، امری تصادفی نیست که یک‌دفعه و به‌صورت کامل اتفاق افتد؛ بلکه فرایند و برآیندی است که در آن، نویسنده با تقویت شایستگی‌های مرتبط و تمرین و تلاش آن را کسب می‌کند و ارتقا می‌بخشد. یک نویسنده برای موفقیت در نگارش علمی بهینه، به شایستگی‌های متعدد و متنوعی نیاز دارد که انسجام‌بخشی از مهمترین آنهاست (تد^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۴). انسجام، یکی از مباحث کلیدی و مسائل پرچالش در نگارش علمی است (باروگا و ماتاگوها^{۱۱}، ۲۰۲۱)؛ تد و همکاران، ۲۰۰۴). صمدی و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند منظور از انسجام، نشانه‌هایی صریح در متن است که به خواننده برای برقراری ارتباط میان ایده‌ها کمک می‌کند. به باور باروگا و ماتاگوها^{۱۱} (۲۰۲۱)، انسجام در مقالات علمی به این معنی است که کلمات، بندها، جملات و پاراگراف‌ها به وضوح با یکدیگر و با موضوع اصلی مقاله مرتبط باشد و زمانی حاصل می‌شود که ایده‌ها به‌طور دقیق و منطقی جریان داشته و همزمان از انسجام منطقی و واژگانی^{۱۲} برخوردار باشد؛ انسجام منطقی با قرار دادن منظم ایده‌های اصلی و جزئیات پشتیبان آنها به دست می‌آید؛ انسجام واژگانی با استفاده مناسب از کلماتی حاصل می‌شود که به خوانندگان کمک می‌کند تا به درک و ارتباط با پیام اصلی آن هدایت شوند. به طور کلی انسجام را می‌توان با تکرار کلمات کلیدی یا با مراجعه به ایده اصلی پاراگراف قبلی، قبل از معرفی پاراگراف فعلی حفظ کرد.

در زمینه انسجام در نگارش، در ایران پژوهش‌هایی در موضوعات مختلفی مانند نقش مجاز در انسجام نگارش (نوبخت، ۱۳۹۶)، انسجام متن در قرآن (بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رحیم‌لو و طیب حسینی، ۱۳۹۹)، انسجام در نهج‌البلاغه (نورسیده و سلمانی حقیقی، ۱۳۹۸)، انسجام کتاب درسی دانش‌آموزان (شمسی، ۱۳۹۶) انسجام در اشعار و کتب تاریخی (باباشاهی و همکاران، ۱۴۰۰؛ طالب‌لو و همکاران، ۱۴۰۰) و فناوری و انسجام متن (حسینی و زاهدی، ۱۳۹۷) انجام شده‌است، اما این موارد عموماً در حوزه‌ی نگارش علمی نیستند؛ بلکه مربوط به ادبیات هستند. با این حال، واضح است اگر کسی بخواهد در زمینه انسجام در نگارش علمی توانمند شود، می‌تواند آن‌ها را نیز مطالعه نماید. در حوزه انسجام در نگارش علمی، در سطح جهانی نیز پژوهش‌هایی انجام شده‌است؛ مثلاً کروزلی و مک نامارا (۲۰۱۰)

1 Derish

2 Hwang

3 Navarro

4 Goyal

5 Stephenson & Sadler-McKnight

6 Barroga & Mitoma

7 Sharadgah

8 Gunel

9 Prahmana

10 Todd

11 Barroga & Matanguihan

12 logical and Lexical coherence

در مطالعه‌ی خود، به بررسی انسجام در کیفیت نگارش‌های علمی پرداختند. آن‌ها بیان کردند که رعایت انسجام، تأثیر مثبتی بر بهبود درک متن از سوی خواننده دارد.

پایان‌نامه، گونه‌ای از نگارش علمی است که بدلیل هدف، طیف مخاطبان و اثرگذاری، ضرورتاً می‌بایست از انسجام برخوردار باشد. در واقع پایان‌نامه، گزارشی است که در آن انتظار می‌رود قالب مورد نظر دانشگاه، اصول اساسی روش‌شناسی علمی و نظرات استادان راهنما، مشاور و داوران رعایت بشود. نگارش با کیفیت پایان‌نامه‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رشد علمی داشته باشد و زمینه را برای پیشرفت‌های بعدی، مهیا سازد (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۱؛ شاه‌ویسی و همکاران، ۱۳۹۸؛ شیرانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ نصیری نیا و همکاران، ۱۴۰۰). در زمینه پایان‌نامه‌ها نیز مطالعاتی انجام شده است؛ برای مثال صمدی^۱ و همکاران (۲۰۲۱) نیز در پژوهش خود به بررسی انسجام در نوشته‌های عربی دانشجویان ایرانی که در رشته زبان عربی تحصیل می‌کنند و دانشجویان عرب زبان پرداختند. آن‌ها با بررسی پایان‌نامه‌های هر دو گروه، بیان کردند که در تمامی شاخص‌های انسجام، دانشجویان عرب زبان بهتر از دانشجویان ایرانی زبان عربی عمل کردند. سلطانی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی پایان‌نامه‌های دانشگاه علوم پزشکی شیراز پرداختند. آن‌ها در این خصوص مواردی مانند سرانه چاپ مقالات به ازای هر پایان‌نامه را بررسی کردند. در نهایت بیان کردند که برون‌داد دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز در حد متوسط و مشابه با سایر دانشکده‌های کشور بوده است. خاکی (۱۳۹۹) نیز به نگارش علمی با تأکید بر پایان‌نامه‌نویسی می‌پردازد؛ او به مباحثی مانند کارکرد نظریه و انواع آن، پیشینه موضوع، روش‌شناسی تحقیق، نمونه‌گیری، ابزارهای تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق در پایان‌نامه می‌پردازد و نکاتی مانند توصیه‌های لازم برای دفاع از پایان‌نامه، اشتباهات متداول در پایان‌نامه‌نویسی و نظایر آن‌ها را بیان می‌کند. یافته‌های برآمده از مطالعه قاسمی و صالحی (۱۳۹۷) از ضعف فراگیر مهارت‌های نگارش علمی دانشجویان و گرایش برخی به استفاده از موسسات موسوم به مقاله‌نویسی و پایان‌نامه‌نویسی حکایت دارد. رحمانی‌زاده (۱۳۹۳) نیز گزارش می‌کند که دانشجویان ایرانی در درس نگارش علمی با مسائل مختلفی نظیر نظری ارائه‌شدن بخش مهمی از درس‌ها و شکل‌نگرفتن شایستگی‌های مرتبط مواجه هستند. پرواضح است حل این قبیل معضلات، به آسیب‌شناسی عمیق و همه‌جانبه و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای برطرف‌سازی نقاط ضعف شناسایی شده نیازمند است؛ این امر ضرورت واکاوی در تجارب زیسته نخبگان دانشگاهی و شناسایی نشانگرها و دسته‌بندی آن در قالب ملاک‌های مرتبط را دوجندان می‌سازد. بنابراین به دلیل اهمیت موضوعی، ضعف پایان‌نامه‌های منتشر شده و عملکرد نه‌چندان رضایت‌بخش بخش قابل‌توجهی از دانشجویان ایرانی در انسجام‌بخشی نگارشی، ضرورت داشت موضوع انسجام نگارشی مورد مطالعه قرار گیرد؛ از این رو این پژوهش با هدف شناسایی و معرفی ویژگی‌های (ملاک و نشانگرهای) انسجام نگارشی در پایان‌نامه‌های علوم رفتاری انجام شد.

روش

پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی از نوع تفسیری به شناسایی ویژگی‌های انسجام نگارشی و تدوین آن در قالب نشانگرها و ملاک‌ها انجام شد. تلاش شد تا با واکاوی ادراک شرکت‌کنندگان، به توصیف و تفسیر تجربه‌زیسته مطلعان شرکت‌کنندگان در خصوص موضوع مورد پژوهش پرداخته شود (آلری^۲، ۲۰۱۹). میدان پژوهش، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. این مطالعه در سال ۱۴۰۱ انجام گرفته است. با سل داده‌ها مبتنی بر نظرات ۱۲ نفر از اعضای هیات علمی که به روش هدفمند از نوع گلوله‌برفی انتخاب شدند، گردآوری شد. در نهمین مصاحبه، اشباع داده‌ها به دست آمد، ولی به منظور حصول اطمینان، سه مورد دیگر هم انجام شد. برای انتخاب شرکت‌کنندگان، ملاک ورود، عضو هیات علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران بودن، انتشار مقالات لاتین و حداقل ۵ سال سابقه تدریس بوده است. ملاک خروج، عدم تمایل آن‌ها برای مصاحبه بوده است. برای رعایت ملاحظات اخلاقی، توضیحات لازم در خصوص محرمانه ماندن اسرار شرکت‌کنندگان در پژوهش داده شد. برای کدگذاری، به ترتیب از شماره ۱ تا ۱۲ برای مصاحبه‌ها (به ترتیب برگزاری) اختصاص داده شد. میانگین زمان مصاحبه ۳۶ دقیقه بوده است. انحراف استاندارد آن ۱۰/۳۲؛ کمینه آن ۲۰ دقیقه و بیشینه‌ی آن ۵۰ دقیقه بوده است. مرتبه علمی ۴۲ درصد از شرکت‌کنندگان دانشیار گزارش گردید. داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه نیمه‌ساختارمند گردآوری شدند. ابتدا پروتکل مصاحبه براساس اصول مطرح‌شده در مطالعه بنی‌اسدی و صالحی (۱۳۹۸) تدوین شد و طبق آن، مصاحبه‌ها انجام شدند. همچنین توضیحاتی در خصوص مباحث مصاحبه مطرح گردید. به دلیل شیوع ویروس کرونا،

1. Samadi

2. O'Leary

مصاحبه‌ها از طریق تماس تلفنی یا تماس واتساپ یا تایپی انجام شدند. برای طراحی سؤالات پژوهش، در چندین جلسه با استاد راهنما و استاد مشاور، بحث و تبادل نظر صورت گرفت. سؤالاتی مطرح شدند و برخی از آن‌ها حذف، ادغام یا ویرایش شدند. همانطور که ذکر شد، در نهمین مصاحبه، اشباع داده‌ها به دست آمد؛ ولی سه مصاحبه دیگر هم جهت رسیدن به اطمینان صورت گرفتند. تحلیل داده‌ها به صورت دستی و با روش دیکلمن^۱ و همکاران (۱۹۸۹) در هفت مرحله شامل «مطالعه‌ی متن مصاحبه‌ها، تفسیر مصاحبه‌ها، واکاوی متون کدگذاری‌شده، ارتباط با مصاحبه‌شوندگان جهت رفع سوء برداشت‌ها، مقایسه کردن متن مصاحبه‌ها با هم، بررسی دوباره و بیان یافته‌ها، بدست آوردن نظرات افراد متخصص جهت ارائه‌ی گزارش پایانی» انجام گردید.

برای بهبود روایی، در مرحله ۴، با مصاحبه‌شوندگان ارتباط برقرار شد و تناقضات موجود بین متن و تفسیر برطرف گردیدند. تلاش کردیم تا باورپذیری و اعتبار یافته‌ها، از طریق راهبرد صدای فعال^۲ و استفاده از نقل قول مستقیم، ضمیر اول شخص مفرد و عین اصطلاحاتی که مصاحبه‌شوندگان بکار گرفته‌بودند (ابوالمعالی، ۱۴۰۰)، ارتقاء یابد. برای تفسیر داده‌های به دست آمده از مصاحبه، چندین جلسه با استاد راهنما و استاد مشاور برگزار شد که بحث و تبادل نظر صورت گرفت؛ تفاسیری مطرح شدند که مورد بازبینی، ادغام، حذف قرار گرفتند.

یافته‌ها

تحلیل داده‌ها به شناسایی ۶۱ نشانگر و دسته‌بندی آن در قالب شش ملاک شامل «انسجام‌بخشی درون‌متنی»، «ساده‌نویسی»، «جذابیت ظاهری»، «نظم نگارشی»، «نظم روشی (روشمندی)» و «نظم منبع‌دهی» منجر گردید. در ادامه هر یک از ملاک‌ها و نشانگرهای شناسایی شده در قالب جدول شماره ۲ معرفی شده و سپس به توصیف و معرفی هریک از ملاک‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در مصاحبه

شماره	مرتبه علمی	رشته تحصیلی	زمان مصاحبه	تعداد مقالات لاتین	شماره	مرتبه علمی	رشته تحصیلی	زمان مصاحبه	تعداد مقالات لاتین
۱	دانشیار	برنامه ریزی درسی	۵۰ دقیقه	۳۰	۷	مدرس	تکنولوژی آموزشی	۴۰ دقیقه	۱۵
۲	دانشیار	روان‌شناسی	۲۵ دقیقه	۴۲	۸	دانشیار	سنجش آموزش	۵۰ دقیقه	۲۴
۳	استادیار	برنامه ریزی درسی	۳۰ دقیقه	۱۴	۹	استادیار	مشاوره خانواده	۴۰ دقیقه	۳
۴	دانشیار	روان‌شناسی	۳۰ دقیقه	۹	۱۰	استادیار	روان‌شناسی بالینی	۴۵ دقیقه	۵
۵	استادیار	روان‌شناسی تربیتی	۲۵ دقیقه	۱۲	۱۱	دانشیار	برنامه ریزی درسی	۴۵ دقیقه	۲۷
۶	استادیار	مدیریت آموزشی	۲۰ دقیقه	۱۹	۱۲	استادیار	توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی	۴۰ دقیقه	۳

در جدول ۱ به تفصیل اطلاعات توصیفی شرکت‌کنندگان پژوهش گزارش شده است.

1. Diekelmann

2 Active voice

جدول ۲. ملاک ها و نشانگرهای انسجام نگارشی

ردیف	ملاک	نشانگر
۱	انسجام بخشی درون متنی	- حفظ محوریت سؤال (های) پژوهشی - رعایت ارتباط عمودی - رعایت ارتباط افقی - رعایت شیوه قیاسی یا استقرایی در نگارش بندها - پرهیز از نگارش جزیره‌ای پیشینه نظری - پرهیز از نگارش جزیره‌ای پیشینه تجربی - تنظیم چارچوب نظری یا چارچوب مفهومی در انتهای پیشینه به تناسب رویکرد مطالعه - مقایسه پیشینه تجربی داخلی و خارجی و تعیین خلاها و کاستی‌ها - توضیح ارتباط پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها - استفاده از دسته‌بندی‌های موضوعی - حفظ یکپارچگی ذهنی در تنظیم مطالب - استفاده از پیش‌سازمان‌دهنده‌ها در نگارش
۲	ساده‌نویسی	- استفاده از کلمات قابل درک - استفاده از جملات روان - رسا بودن توضیحات - معادل‌پردازی خلاقانه (نگارش اصطلاحات فنی به زبان ساده) - مخاطب‌محوری در استفاده از کلمات و جملات - رعایت نگارش پیش نیازهای مفهومی قبل از ورود به بحث - پرهیز از عبارات بلند
۳	جذابیت ظاهری	- رعایت پاراگراف‌بندی و پرهیز از پراکندگی بندها - رعایت قالب و ساختار گزارش نویسی دانشگاه یا مجله - استفاده از جداول سه‌خطی - تجمیع جداول مشخصات فردی - نظم‌دهی و زیبایی ظاهری در تنظیم جداول - رعایت قواعد نشانه‌گذاری در متن - نظم‌دهی کلمات در تنظیم پاورقی‌ها - پرهیز از زائد نویسی توضیحات نظری بخش روش
۴	نظم نگارشی	- مشخص‌بودن مقدمه و مؤخره در نگارش - وضوح بخشی به سؤال (های) پژوهش - برقراری ارتباط وثیق بین متن و موضوع - بیان دقیق علت انجام پژوهش - تبیین خلأ (های) پژوهشی - مقایسه دقیق نتایج با بخش‌های ویژه در سایر پژوهش‌ها - توضیح سرواژه‌ها قبل از استفاده - استفاده متناسب از سرواژه‌ها در مکان مناسب - تمایز بخشی نتایج مطالعه از بحث - تنظیم نتیجه‌گیری در انتهای پیشینه - رعایت نظم عددی در تنظیم عناوین - نقد پژوهشی در انتهای پیشینه - نظم‌دهی در ارتباط‌دهی بین کلمات

	• نظم‌دهی در ارتباط بخشی بین جملات • نظم‌دهی در ارتباط‌دهی بین بخش‌ها • نظم‌دهی در ارتباط بخشی تصاویر با متن • نظم‌دهی در ارتباط بخشی جداول با متن • نظم‌دهی در ارتباط بخشی نمودارها با متن • نظم‌دهی در ارتباط بخشی فرمول‌ها با متن	
	• تمایز بخشی رویکرد مطالعه • تمایز بخشی نوع پژوهش و طرح آن • صحت در تبیین دلایل منطقی استفاده از روش پژوهش • توصیف دقیق میدان پژوهش، جزئیات آن و نحوه ورود به آن • توصیف دقیق جامعه آماری و مختصات آن • توصیف دقیق شیوه نمونه‌گیری، دلایل و مراحل آن • تمایز بخشی نمونه و ویژگی‌های آن به تفکیک رویکردهای پژوهش • دقت در تعیین ملاک‌های ورود و خروج اسناد و افراد • تناسب در انتخاب ملاک‌های سنجش کیفیت مطالعه به تفکیک رویکردهای سه‌گانه پژوهش • تبیین جزئیات تحلیل داده‌ها و ویژگی‌های آن • توصیف دقیق جزئیات و مراحل اقدام بجای توضیح ملاک‌های سنجش • استفاده متناسب از صدای فعال یا غیرفعال در نگارش به تفکیک رویکردهای پژوهش	۵ نظم روشی (روشمندی)
	• پرهیز از منبع‌نویسی طولانی • پرهیز از منبع‌نویسی بی‌دقت • آراسته‌نویسی در منبع‌دهی	۶ نظم منبع‌دهی

۱- انسجام بخشی درون متنی: این ویژگی، به ارتباط بین عناصر مختلف پایان‌نامه با یکدیگر به منظور ارائه‌ی هویتی واحد، که موجب بهبود کیفیت پایان‌نامه می‌شود، اشاره دارد. برای این ملاک، ۱۲ نشانگر نظیر «حفظ محوریت سؤال پژوهشی»، «رعایت ارتباط عمودی» و «رعایت ارتباط افقی» به‌دست آمد که اهمیت این ملاک را از نظر مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد. نظرات مصاحبه‌شوندگان در این خصوص، در جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۳. متن کدگذاری شده مصاحبه‌شوندگان در خصوص ملاک انسجام بخشی درون متنی

نکده	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۳	«یکی دیگه اینکه ارتباط عمودی و افقی نوشته‌ها رعایت بشه. یعنی ارتباط بین پاراگراف‌ها دیده بشه. شما ارتباط هم عمودی دارید و هم افقی دارید. ارتباط عمودی یعنی چی؟ یعنی شما برای بیان مسأله ۵ تا پاراگراف استفاده کنی، ۱۰ تا پاراگراف استفاده کنی، وقتی فرد از بالا میاد پایین، دیگه وسطش رو عوض نکنه. فرض کنیم یک نفر میگه من میخوام در مورد سنجش کلاسی در پایان‌نامه بنویسم. اول میاد از دانشگاه، دانشگاه یک نهاد مهم است و فلان، خب این دانشگاه، در سطح بالا. بعدش میاد میگه تدریس یکی از فعالیت‌های مهم مدرسان است. یعنی از دانشگاه یکم اومد پایین‌تر. شد تدریس. بعد میاد میگه تدریس اینکه که از سنجش... در مورد سنجش مینویسه. میاد درون جزئیات. وقتی که سنجش رو میگه، سنجش اینکه که ما در فضای کلاس به صورت مستمر بتونیم استفاده ویژگی سنجش رو داشته باشیم، مستمر باشه، عادلانه باشه، (جزئی تر از سنجش کلاسی شد).»
۵	«نه ارتباطشون مشخصه، نه دسته بندی‌ها مشخصه، نه تیترو ذیل اون‌ها، نه ارتباط بین فصول.»
۹	«پایان‌نامه خوب اینکه که از قبل راهبردهاش رو بدونه، هم در فرآیند نگارشش، در عمل تکلیف خودش را مشخص کنه، اینطور نباشه که یکبار از کل به جزء بگه یکبار از جزء به کل، یکبار استقرائی و یکبار قیاسی باشه. یعنی دقیقاً تصمیم گرفته باشه که این راهبردش رو رعایت کنه.»

۲- «ساده نویسی»: این ملاک، به این موضوع اشاره دارد که آیا نگارش علمی، برای مخاطب خود، قابل فهم و درک است؟ یا چنان غیر قابل فهم نگارش شده است که مخاطب نمی تواند از آن استفاده کند؟ در این ملاک، ۸ نشانگر مانند «استفاده از کلمات قابل درک» و «استفاده از جملات روان» بیان شدند که توضیحاتشان در جدول ۴ مطرح شده است.

جدول ۴. متن کدگذاری شده مصاحبه شوندگان در خصوص ملاک ساده نویسی

کد	روایت های مصاحبه شوندگان
۲	«همین طور اون بعد محتوایی که گفتم. از جملات سلیس و روان استفاده کرده باشه.»
۵	«خواننده بفهمه در امتداد چه موضوعی داره مطلب رو پیش میبره.»
۶	«ساده هست؟ یا اینکه نه، از کلمات و عبارات پیچیده استفاده شده؟»
۱۱	«یک نوشته خوب، ساده نویسی کنه.»
۱۲	«ساده بنویسه مخاطب بتونه بفهمه. نه ثقیل و نامفهوم.»

۳- **جذابیت ظاهری**: این ملاک، به رعایت نکات ظاهری که زمینه را برای علاقه مند کردن مخاطب به مطالعه ی پلایان نامه را فراهم می آورد، اشاره می نماید. مصاحبه شوندگان برای ملاک مذکور، ۸ نشانگر مانند نشانگرهای «رعایت پاراگراف بندی و پرهیز از پراکندگی بندها»، «استفاده از جداول سه خطی» و «تجمیع جداول مشخصات فردی» را بیان کردند. توضیحات آن در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵. متن کدگذاری شده مصاحبه شوندگان در خصوص ملاک جذابیت ظاهری

کد	روایت های مصاحبه شوندگان
۱	«صفحه بندی هاشون، جاسطیفای نمیکنن و خیلی حالت بی نظم و به هم ریخته پیدا میکنه.»
۴	«پاورقی ها نامنظمه»
۷	«پاراگراف بندی میتونه توی میزان یادگیری فرد، درک و فهمی که از مطلب براش بدست میاد، تأثیرگذار باشه. یعنی اینطور نباشه که یک صفحه رو شما می خونی، بدون پاراگراف بندی باشه. پاراگراف زدن از لحاظ یادگیری بسیار تأثیرگذاره. یادمه یک مقاله ای در زمینه پاراگراف بندی منتشر شده بود. پس خود شکل ارائه و نوشتن هم مهمه. مثلاً از لحاظ ظاهری خیلی میشه حرف زد.»
۱۰	«بخش دوم میشه بخش ظرف. بخش قالب و شکل. این شکل با توجه به اینکه یک مقداری سلیقه حاکمه، که اسمش رو میدارم حرفه ای گرای، کاملاً مشخص میشه فرد بر اساس چارچوب تعیین شده یا توسط خودش یا توسط جایی که داره منتشر میکنه. مثلاً دانشگاه X میگه چارچوب گزارش من اینه دانشگاه Y میگه اینه. مجله X میگه اینه مجله Y میگه اینه. کاملاً بتواند این چارچوب را رعایت کنه»

۴- **نظم نگارشی**: این ویژگی، به رعایت نگارش نظم در بین عناصر مختلف نگارش و تطابق با شیوه ی مد نظر، توسط نگارنده اشاره دارد. این ملاک، ۱۸ نشانگر دارد؛ این نکته بیانگر اهمیت بالای این ملاک در بین اساتید دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. نشانگرهایی مانند: «تبیین خلا(های) پژوهشی»، «مقایسه دقیق نتایج با بخش های ویژه در سایر پژوهش ها» و «توضیح سرازه ها قبل از استفاده»؛ نظرات مصاحبه شوندگان در مورد این ملاک، در جدول ۶ بیان شده است.

جدول ۶. متن کدگذاری شده مصاحبه شوندگان در خصوص ملاک نظم نگارشی

کد	روایت های مصاحبه شوندگان
۳	«هدفش به وضوح توضیح داده شده باشه و این رو وصل کنه به خلاهای پژوهشی که در اون زمینه وجود داره»
۸	«لازمه در یک پایان نامه خوب، سرازه ها رو توضیح بدن تا خواننده سردرگم نشه.»

۵- «نظم روشی (روش‌مندی)»: منظور از این ویژگی، تبیین دقیق و متناسب روش و اجزای آن می‌باشد که رعایت آن، موجب افزایش کیفیت ساختار پایان‌نامه می‌شود. این ملاک، ۱۲ نشانگر مانند «صحت در تبیین دلایل منطقی استفاده از روش پژوهش»، «توصیف دقیق میدان پژوهش، جزئیات آن و نحوه ورود به آن» و «توصیف دقیق جامعه آماری و مختصات آن» را دارد. توضیحات مصاحبه‌شوندگان در این زمینه، در جدول ۷ بیان شده است.

جدول ۷. متن کدگذاری شده مصاحبه‌شوندگان در خصوص ملاک نظم روشی (روش‌مندی)

کد	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۳	«یکی از مهمترین قسمت‌هاش، همین متدولوژی که همه چیزش دارای اهمیت و اینه که حتماً باید ملاک‌های ورود و خروجی داشته باشه»
۹	«باید دقیقاً میدان پژوهش و جزئیاتش رو ریز به ریز بباره، نه این که صرفاً بخواد بحث رو از سرش وا کنه و بگه مثلاً یه چیزی نوشتم».

۶- نظم منبع‌دهی: آخرین ملاکی که به دست آمد، «نظم منبع‌دهی» بود. این ویژگی سه نشانگر یعنی «پرهیز از منبع‌نویسی طولانی»، «پرهیز از منبع‌نویسی بی‌دقت» و «آراسته‌نویسی در منبع‌دهی» را دارد که توضیحات مصاحبه‌شوندگان در خصوص این ملاک، در جدول ۸ بیان شده است.

جدول ۸. متن کدگذاری شده مصاحبه‌شوندگان در خصوص ملاک نظم منبع‌دهی

کد	روایت‌های مصاحبه‌شوندگان
۴	«من خیلی پایان‌نامه‌ها رو داوری کردم و خیلی اشکال دارن توی این قضیه. منابع درون‌متنی رو بعضاً غلط مینویسن. انگار اصلاً دقت ندارن».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و معرفی ویژگی‌های انسجام نگارشی در پایان‌نامه‌های علوم رفتاری انجام شده است. رعایت انسجام نگارشی، هویتی یکپارچه به اثر علمی می‌بخشد و مفهومی مشخص را به خواننده منتقل می‌کند. رعایت این ویژگی در همه گونه‌های نگارش علمی، به ویژه پایان‌نامه از اهمیت و حساسیت دوچندانی برخوردار است؛ به گونه‌ای که در صورت بی‌توجهی به آن، آثار منتشر شده با چالش‌های گوناگونی مواجه شده و از رسالت و هدف اصلی خود در زمینه‌سازی برای زمینه‌سازی عاملیت علم و آثار علمی در جامعه دور می‌شود. قربانخانی و صالحی (۱۳۹۹) مبتنی بر ادراک نخبگان و فرهیختگان دانشگاهی هفت دسته از چالش‌های عمده در خلق دانش شامل «موانع فرهنگی و اجتماعی»، «موانع اقتصادی»، «موانع ارتباطی»، «موانع فردی»، «موانع مرتبط با امکانات» و «موانع مرتبط با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی» را شناسایی کرده و اذعان می‌دارند که استیلای رویکرد کمی‌گرا در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و پژوهشی، زمینه شکل‌گیری گفتمان خلق دانش بومی و حرکت در راستای تحقق مرجعیت علمی را با چالش‌هایی جدی همراه ساخته است (قربانخانی و صالحی، ۱۴۰۱). ایشان پیشنهاد بر ضرورت حرکت در راستای نهادینه‌سازی گفتمان تحول، جایگزینی رویه‌های خلق دانش و ارزش‌آفرینی بجای تمرکز و تأکید افراطی بر تولید و تعدد مقاله‌ها و بازاندیشی و بازنگری در سیاست‌ها و به تبع آن، تدوین برنامه جامع اقدام به عنوان یکی از شیوه‌های ارتقای کیفیت فعالیت‌های علمی اذعان می‌نمایند.

قاسمی و صالحی (۱۳۹۷) در پژوهش خود این نتیجه را گزارش کردند که کم‌توجهی به پرورش مهارت‌های نگارشی دانشجویان از عمده‌ترین دلایل گرایش دانشجویان به استفاده از موسسات تولید مقاله و شکل‌گیری و گسترش فعالیت این گونه از مؤسسات موسوم به تولید مقاله و پایان‌نامه است. همچنین در بخش دیگری بروز این معضل را زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های مخاطره‌انگیزی در سطوح فردی، سازمانی و اجتماعی نظام آموزش عالی ایران معرفی کرده‌اند. این امر لزوم توجه به ارتقای مهارت‌های نگارشی دانشجویان را دوچندان می‌نماید. در صورت ادامه روال موجود و کم‌توجهی به ارتقای مهارت‌های پایان‌نامه‌نویسی و سایر عوامل اثرگذار، رونق یافتن مؤسسات مقاله‌نویسی می‌تواند نشاط و پویایی مراکز علمی و دانشگاهی را از درون با چالش‌هایی جدی همراه ساخته و آن‌ها را در تحقق رسالت‌شان در ارزش‌آفرینی و زمینه‌سازی رفاه و توسعه پایدار و متوازن جامعه، با مشکلات دوچندان مواجه نماید.

یافته‌ها در پژوهش حاضر به شناسایی ۶۱ نشانگر و دسته‌بندی آن در قالب شش ملاک منتج گردید. با توجه به تعداد نشانگرهای هر ملاک در مصاحبه‌هایی که انجام شد، بیشتر اساتید، بر جنبه‌های «نظم نگارشی» و پس از آن، «انسجام‌بخشی متن»، بیشترین تاکید را داشتند. در ملاک «انسجام‌بخشی درون‌متنی»، نشانگرهایی فراوانی مانند «حفظ محوریت سؤال پژوهشی»، «رعایت ارتباط عمودی» و «رعایت ارتباط افقی» بیان شدند؛ حری (۱۴۰۰) هم بیان می‌کند یک نگارش علمی با کیفیت، باید با ترکیب مناسب کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و تصاویر، اثری «واحد» را به وجود بیاورد که ساختاری هدفمند داشته باشد. همچنین نشانگر «توضیح ارتباط پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها» بیان شد. حری (۱۴۰۰) نیز بیان می‌کند که نگارش علمی باید پیشینه را به خوبی تبیین نماید. همچنین این ملاک، با نتایج پژوهش کروزلی و مک نامارا (۲۰۱۰) همراستا است. نشانگر دیگر در این ملاک، «رعایت شیوه قیاسی یا استقرایی در نگارش بندها» بود و یکی از نشانگرهایش هم «توانایی به کارگیری راهبردها»؛ حری (۱۴۰۰)، بیان می‌کند که نگارش علمی باید از راهبرد قیاسی، استقرایی یا ترکیبی استفاده نماید.

«ساده‌نویسی» از جمله ملاک‌هایی بود که با شناسایی نشانگرهایی نظیر «استفاده از کلمات و جملات قابل فهم و معادل‌پردازی خلاقانه»، مورد توجه ویژه مطلعان کلیدی قرار گرفت. حری (۱۴۰۰) به ضرورت رعایت ساده‌نویسی تاکید می‌کند و اذعان می‌دارد که یک نویسنده حرفه‌ای باید مطلب را برای مخاطبان خود، به گونه‌ای قابل فهم بیان کند که برایشان مفید و قابل استفاده باشد. در ملاک جذابیت ظاهری، به ضرورت «رعایت ساختار دانشگاه یا مجله» اشاره شد که با نظر حری (۱۴۰۰) و خاکی (۱۳۹۹) همراستا است. در ملاک «نظم نگارشی»، بر ضرورت جداسازی بحث از نتیجه‌گیری تاکید شد. حری (۱۴۰۰) نیز بیان می‌کند که باید نتایج از بحث جدا باشد. همچنین در ملاک مذکور، بر نشانگر «ضرورت توضیح خلاصه‌های پژوهشی» نیز تاکید شد. یعنی مشخص کند چه مواردی قبلاً بیان شده و چه مواردی نیاز به پژوهش دارند؛ برای این کار لازم است پژوهش‌های قبلی به خوبی مطالعه شوند. حری (۱۴۰۰)، بیان می‌دارد که باید از طریق مطالعه و استناد به آثار علمی قبل از خود، جایگاه خود را در مسیر یک اندیشه‌ی علمی بیابد. همچنین در این ملاک، نشانگر «مقایسه دقیق نتایج با بخش‌های ویژه در سایر پژوهش‌ها» نیز مطرح شد. حری (۱۴۰۰)، بیان می‌کند که تنها به سراغ اطلاعاتی نروید که فرضیه شما را تأیید کنند. در ملاک نظم روشی (روشنمندی) به نشانگرهایی اشاره گردید که با مطالعات بازرگان (۱۳۹۸) و خاکی (۱۳۹۹) همسو بود. همچنین در ملاک نظم منبع دهی، به نشانگرهایی مانند «پرهیز از منبع‌نویسی بی‌دقت» پرداخته شد که با نظر بازرگان (۱۳۹۸) همخوانی دارد. بسیاری از مطلعان به شیوع گسترده منبع‌نویسی بی‌دقت و عدم اطلاع و رعایت قواعد منبع‌نویسی در بسیاری از پایان‌نامه‌ها اذعان کردند که این امر ضرورت آموزش اصول استناددهی و منبع‌نویسی به دانشجویان و کنترل شیوه تنظیم مطالب علمی توسط استادان و داوران را دوچندان می‌نماید.

در این پژوهش تلاش شد تا ویژگی‌های انسجام نگارشی در پایان‌نامه‌های دانشجویان از طریق مصاحبه‌هایی دقیق با اعضای هیات علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران به دست آید. نتیجه این مطالعه به ایجاد نظام نشانگرهای سنجش کیفیت انسجام نگارشی منتج گردید که می‌تواند مبنایی برای طراحی کاربرگ‌های ارزیابی و سرفصل‌های آموزشی به دانشجویان و سایر پژوهشگران باشد. با توجه به مسائل مبتلابه‌ایی که دانشجویان در نگارش علمی و به خصوص تنظیم پایان‌نامه با آن‌ها درگیرند و در برخی اوقات به واگذاری نگارش پایان‌نامه به افراد یا موسسات مقاله و پایان‌نامه‌نویسی منجر می‌شود، استفاده از یافته‌های این مطالعه و تلاش منسجم برای برطرف‌سازی آن از ضرورتی دوچندان است. پیشنهاد مشخص این مطالعه تاکید بر تدوین و وارد کردن سرفصل‌های درس دو واحدی آشنایی با فنون نگارش علمی در بازنگری برنامه‌های درسی دوره تحصیلات تکمیلی است. در حین انجام پژوهش حاضر، پژوهشگران با محدودیت‌هایی از جمله ترجیح مصاحبه مجازی به مصاحبه حضوری توسط اساتید دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (به دلیل تداوم شیوع کرونا) و محدودیت زمان اساتید به دلیل مشغله فراوان آن‌ها مواجه شدند. همچنین با توجه به یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- جامعه علمی، برای موضوع نگارش علمی و به خصوص انسجام در نگارش علمی، تلاش مضاعفی را جهت واکاوی دقیق ابعاد مختلف این مباحث و چگونگی ارتقای آن انجام دهند.

۲- دوره‌های توانمندسازی با شگردها و رویه‌های انسجام در نگارش علمی در دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی برگزار شود.

۳- با عنایت به ملاک «نظم نگارشی» و نشانگرهای آن که در این پژوهش به دست آمده و توسط پژوهش‌های دیگر نیز تأیید گردیدند، نگارندگان علمی، دقت بیشتری در این خصوص داشته باشند.

- ۴- با توجه به اهمیت و تأکید مطلعان کلیدی این مطالعه بر ملاک «انسجام بخشی متن» و نشانگرهای آن، ضرورت دارد در نگارش علمی، ارتباط بین عناصر و اجزای مختلف نگارش علمی به خوبی مورد توجه و پایش قرار گیرد.
- ۵- پیشنهاد می‌شود ابزاری برای ارزیابی کیفیت انسجام‌نویسی در نگارش علمی دانشجویان ساخته شود و نگارش‌های علمی دانشجویان مورد ارزیابی قرار گیرد.

منابع

- ابوالمعالی، خ. (۱۴۰۰). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل. تهران: عالم.
- باباشاهی کوهانستانی، ف؛ فاضلی، م؛ و فقیه ملک مرزبان، ن. (۱۴۰۰). بررسی انسجام معنایی در غزل مظهر همدانی و مقایسه آن با غزل سعدی. *مطالعات زبانی و بلاغی*، ۱۲ (۲۳)، ۳۷-۶۶. <https://doi.org/10.22075/jlrs.2020.18910.1588>
- بختیار نصرآبادی، ح؛ سلیمانزاده نجفی، س.ر؛ و خاقانی اصفهانی، م. (۱۳۹۷). تقابل «حذف و ارجاع ضمیر» به عنوان مولفه‌های انسجام متن بر اساس رویکرد متن پژوهی (مطالعه موردی داستان حضرت موسی در سوره طه). *فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، ۶ (۲)، ۷۸-۵۵. <https://dori.net/dor/20.1001.1.23452234.1397.6.2.4.7>
- بنی‌اسدی، ع؛ و صالحی، ک. (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر اصول و فرایند ساخت و رواسازی پروتکل مصاحبه. *نامه آموزش عالی*، ۱۲ (۴۶)، ۱۷۷-۲۰۳. http://journal.sanjesh.org/article_36128.html
- بهی‌مهر، س؛ ریاحی نیا، ن؛ و منصوریان، ی. (۱۳۹۳). شناسایی مشکلات پایان‌نامه‌نویسی از دیدگاه دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی در دانشگاه‌های شهر تهران. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۱ (۴۸)، ۳۹-۵۹. <https://doi.org/10.22059/jlib.2014.52701>
- حری، ع. (۱۴۰۰). *آیین نگارش علمی*، چاپ هشتم. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- حسینی، م.م؛ و زاهدی، م. (۱۳۹۷). ارائه یک مدل احتمالاتی جهت تعیین انسجام متن در سیستم‌های پرسش و پاسخ تعاملی. *پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۳ (۴)، ۱۷۳۹-۱۷۶۳. <https://doi.org/10.35050/JIPM010.2018.032>
- خاکی، غ.ر. (۱۳۹۹). *روش تحقیق (با رویکرد پایان‌نامه نویسی)*، چاپ بیستم. تهران: فوژان.
- رحیملو، ع؛ و طیب‌حسینی، س.م. (۱۳۹۹). واکاوی انسجام معنایی آیه ۲۳ سوره احزاب با سیاق آن (بر پایه شیوه زبانی تجرید). *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ۲۳ (۵۳)، ۳۳۱-۳۵۱. <https://www.doi.org/10.22059/jqst.2021.317362.669673>
- سعادت، ف؛ منصوریان، ی؛ و زره ساز، م. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت ساختاری مقاله‌های پژوهشی و راهنماهای نگارش در مجله‌های علمی-پژوهشی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. *تعامل انسان و اطلاعات*، ۴ (۱)، ۲۸-۴۰. <http://dori.net/dor/20.1001.1.24237418.1396.4.1.2.3>
- سلطانی، الف؛ مطلق، ز؛ و افتخاریان، ف. (۱۴۰۱). ارزیابی برونداد علمی پایان‌نامه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شیراز طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۰. *مجله علم‌سنجی کاسپین*، ۲۹ (۲)، ۲۵-۳۶. <http://cjs.mubabol.ac.ir/article-1-283-fa.html>
- شاه‌ویسی، ن؛ حیدری، غ.ر؛ و احمدی، و. (۱۴۰۰). ارزیابی پیشینه‌های پژوهش پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی دانشگاه رازی براساس ساختار و محتوای مطلوب پیشینه‌نویسی در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۳. *فصلنامه بازیابی دانش و نظام‌های معنایی*، ۸ (۲۶)، ۷۹-۱۰۲. <https://doi.org/10.22054/jks.2021.58049.1404>
- شمسی، غ.ر. (۱۳۹۶). نقد و بررسی رویکرد علمی و انسجام معنایی کتاب درسی علوم و فنون ادبی (۱). *نقد کتاب ادبیات و هنر*، ۱۱ (۳)، ۱۷۹-۱۸۸. <http://litbr.faslnameh.org/article-1-500-fa.html>
- شیرانی، ف؛ هدائی، ه؛ و نامداریان، ل. (۱۳۹۹). توسعه راهکارهایی برای دسترسی آزاد به تمام متن پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در بافت مؤسسات آموزشی و پژوهشی ایران. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۶ (۲)، ۳۵۹-۳۹۰. <https://doi.org/10.35050/JIPM010.2020.004>
- شیردل، م؛ صالحی، ک؛ و قدیریان، ه. (۱۴۰۱). شناسایی ملاک‌ها و نشانگرهای اصیل‌نویسی در نگارش علمی دانشگاهی، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۶ (۵۱)، ۱-۲۴. <https://doi.org/10.30487/RWAB.2023.1987891.1548>
- طالبلو، ز؛ ذوالفقاری، م؛ امیدعلی، ح. الف؛ و رجیبی، ز. (۱۴۰۰). انسجام معنایی غزل‌های رمانتیک حسین منزوی. *سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار)* (دب)، ۱۴ (۷۰)، ۱۳۶-۱۵۴. <http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.6273>
- قاسمی، م؛ صالحی، ک. (۱۳۹۷). تحلیل پدیدارشناسانه عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر استفاده از مؤسسات تولید مقاله و پایان‌نامه؛ *سیاست علم و فناوری*، ۱۱ (۴)، ۳۵-۴۸. <http://dx.doi.org/10.22034/jstp.2019.10.4.539573>
- قربانخانی، م؛ و صالحی، ک. (۱۳۹۹). رهیافتی پدیدارشناسانه در واکاوی موانع خلق دانش در علوم انسانی بر پایه ادراک و تجربه زیسته نخبگان فرهیختگان دانشگاهی. *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ*، ۱۳ (۵۲)، ۷۵-۱۱۰. <https://doi.org/10.22034/jsfc.2021.126583>

- قربانخانی، م؛ و صالحی، ک. (۱۴۰۱). تبیین کژکارکردهای بازدارنده مرجعیت علمی در علوم انسانی. *فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایران*. ۱۰ (۳)، ۳۵-۶۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23295599.1401.10.3.6.4>
- قنبری، س؛ و همتی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بو علی سینا. *نامه آموزش عالی*، ۳۵ (۹)، ۱۱۷-۱۳۵. http://journal.sanjesh.org/article_24504.html
- محمدزاده، ز؛ صالحی، ک. (۱۳۹۴). آسیب شناسی نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳ (۱۱)، ۱-۲۵. https://www.jmsp.ir/article_11013.html
- محمدزاده، ز؛ صالحی، ک. (۱۳۹۵). تبیین پدیده نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی از منظر نخبگان دانشگاهی: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسی. *فصلنامه علمی راهبرد*. ۲۵ (۲)، ۲۲۷-۲۵۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.10283102.1395.25.2.8.0>
- معماری، ز. (۱۴۰۰). بررسی و نقد کتاب مثل فیلسوف نوشتن؛ آموزش نگارش مقاله فلسفی. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۲۱ (۱۱)، ۲۶۹-۲۸۷. <https://doi.org/10.30465/crtls.2021.36830.2275>
- نصیری نیا، ک؛ عباس پور، م؛ و نبوی، ج. (۱۴۰۰). بررسی دیدگاه مدیران کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های دولتی پیرامون دسترسی کاربران به پایان‌نامه‌ها. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۵۵ (۲)، ۴۸-۲۱. <https://doi.org/10.22059/jlib.2022.337649.1587>
- نوبخت، م. (۱۳۹۶). نقش مجاز در انسجام دستوری متن. *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۱ (۴۰)، ۲۵-۵۲. https://jut.samt.ac.ir/&url=http://jut.samt.ac.ir/article_31110.html
- نورسیده، ع. الف؛ و سلمانی حقیقی، م. (۱۳۹۸). بررسی انسجام دستوری غیرساختاری در متن خطبه ۵۷۱ نهج‌البلاغه و ترجمه‌های آن (مطالعه موردی: ترجمه جعفری، شهیدی و فقیهی). *متون اسلامی مطالعات ادبی*، ۴ (۲)، ۸۱-۱۰۲. <https://doi.org/10.22081/JRLA.2020.55127.1233>
- Barroga, E., & Matanguihan, G. J. (2021). Creating Logical Flow When Writing Scientific Articles. *Journal of Korean medical science*, 36(40), e275. <https://doi.org/10.3346/jkms.2021.36.e275>
- Barroga, E., & Mitoma, H. (2019). Critical Thinking and Scientific Writing Skills of Non-Anglophone Medical Students: a Model of Training Course. *Journal of Korean medical science*, 34(3), e18. <https://doi.org/10.3346/jkms.2019.34.e18>
- Derish, P. A., Maa, J., Ascher, N. L., & Harris, H. W. (2007). Enhancing the mission of academic surgery by promoting scientific writing skills. *The Journal of surgical research*, 140(2), 177-183. <https://doi.org/10.1016/j.jss.2007.02.018>
- Goyal, M., Dua, A., Kedia, A., Misra, D. P., Santhanam, S., & Ravindran, V. (2020). Usefulness of a workshop on scientific writing and publication in improving the baseline knowledge deficit among postgraduates. *The journal of the Royal College of Physicians of Edinburgh*, 50(3), 316-321. <https://doi.org/10.4997/JRCPE.2020.323>
- Gunel, M., Hand, B. & Prain, V. Writing for Learning in Science: A Secondary Analysis of Six Studies. *Int J of Sci and Math Educ* 5, 615-637 (2007). <https://doi.org/10.1007/s10763-007-9082-y>
- Hwang, K. (2023). The Importance of Brevity in Scientific Writing. *The Journal of craniofacial surgery*, 34(1), 17. <https://doi.org/10.1097/SCS.00000000000008982>
- Navarro, F., Orlando, J., Vega-Retter, C., & Roth, A. D. (2022). "Science Writing in Higher Education: Effects of Teaching Self-Assessment of Scientific Poster Construction on Writing Quality and Academic Achievement". *Int J of Sci and Math Educ* 20, 89-110. <https://doi.org/10.1007/s10763-020-10137-y>
- O'Leary, E. J. (2019). A Phenomenological Study of Competition in High School Bands. *Bulletin of the Council for Research in Music Education*, 220, 43-61. <http://dx.doi.org/10.5406/bulcouresmusedu.220.0043>
- Oztel, H. (2020). Fourth Generation University: Co-creating a Sustainable Future. In: Leal Filho, W., Azul, A., Brandli, L., Özuyar, P., Wall, T. (eds) *Quality Education. Encyclopedia of the UN Sustainable Development Goals*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-69902-8_77-1
- Prahmana, R. C. I. (2017). The role of research-based learning to enhance students' research and academic writing skills. *Journal of Education and Learning (EduLearn)*, 11(3), 351-366. <https://doi.org/10.11591/edulearn.v11i3.5871>
- Samadi, B., Jalaei, M., Eghbaly, A., & Alanati, W. A. (2021). Analysis of grammatical coherence in scientific writing of Arabic speakers and the Iranian students of Arabic literature. *Studies in Arabic Teaching and Learning*, 5(2), 33-60. <https://doi.org/10.22099/jsatl.2021.39708.1123>
- Sharadgah, T. (2014). Developing Critical Thinking Skills through Writing in an Internet-based Environment. In M. Searson & M. Ochoa (Eds.), *Proceedings of SITE 2014--Society for Information Technology & Teacher Education International Conference* (pp. 2178-2185). Jacksonville, Florida, United States: Association for the Advancement of Computing in Education (AACE). Retrieved September 8, 2023 from <https://www.learntechlib.org/primary/p/131110/>.
- Todd, R. W., Thienpermpool, P., & Keyuravong, S. (2004). Measuring the coherence of writing using topic-based analysis. *Assessing writing*, 9(2), 85-104. <https://doi.org/10.1016/j.asw.2004.06.007>

